

**Critical Discourse Analysis of National Anthems of Arabic Countries
Located at Levant Area Based on Van Dijk Model***

Abdul Basit Youssef Abadi

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Zabul

Abstract

Assessing different discourse levels provides new perception and shows the interaction between language and ideological structures. Since discourses causing ideology hegemony are considered as the determining factors in reproducing national identity, national anthem of each country is assumed to have an important role in recognizing it. Van Dijk, who considers ideology as a basis for common social representation, has provided a model for critical discourse analysis that can be a proper framework for investigating identity reproduction in each country's national anthem. The present study aimed to discover discourse strategies of Arabic countries' national anthems, located at Levant area (Iraq, Palestine, Syria, Jordan, Lebanon), which leads to presenting national identity in language. Therefore, a descriptive-analysis method and Van Dijk's model were used to collect and analyze the discourses. The results indicated that foregrounding positives points and backgrounding negative points form 78% of the mentioned anthems discourse system. Furthermore, meaning and propositional structures are the most prominent levels of discourse in the anthems.

Keywords: Critical discourse analysis, Van Dijk, national anthem, foregrounding, backgrounding, national identity.

* -Received on: 04/12/2018

Accepted on: 04/03/2019

-Email: arabighalam@uoz.ac.ir

-DOI: 10.30479/lm.2019.9723.2684

-© Imam Khomeini International University. All rights reserved.

بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در مربع ایدئولوژیک سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه شام بر اساس مدل ون‌دایک*

عبدالباسط یوسف‌آبادی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

چکیده

ارزیابی سطوح گوناگون گفتمان، امکان دستیابی به برداشتی جدید از آن را فراهم می‌نماید و تعاملات زبان با ساختارهای ایدئولوژیک را کشف می‌کند. از آن‌جاکه مهم‌ترین شرط بازتولید هویت ملی دسترسی به گفتمان‌هایی است که باعث هژمونی هویت می‌گردد؛ بنابراین سرود ملی هر کشور می‌تواند نقش مهمی در شناخت این مهم داشته‌باشد. ون‌دایک که ایدئولوژی را بنیانی برای بازنمایی‌های اجتماعی مشترک می‌داند، مدلی را برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه نمود که می‌تواند چارچوبی مناسب برای بررسی بازتولید هویت در سرود ملی هر کشور باشد. هدف از پژوهش حاضر کشف مؤلفه‌های گفتمان‌مدار سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه شام (لبنان، اردن، سوریه، فلسطین و عراق) است که منجر به ارائه هویت ملی در زبان می‌شود. بنابراین با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی این نتایج به دست آمد که برجسته‌سازی نکات مثبت خود و حاشیه‌رانی نکات منفی خود، مجموعاً ۷۸٪ از نظام گفتمانی سرودهای موردبحث را به خود اختصاص داده‌است. همچنین سطح معنی و ساخت گزاره‌ای برجسته‌ترین سطح گفتمانی این سرودهاست. این امر نشانگر مهارت تولیدکننده گفتمان سرودها در استفاده از توانمندی زبان برای برجسته‌سازی قطب خود است و چیرگی در این فن به سلامت ذوق و مهارت وی اشاره دارد.

کلمات کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ون‌دایک، سرود ملی، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، هویت ملی.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): arabighalam@uoz.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2019.9723.2684

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

بحث درباره زبان، «منحصربه‌فردترین شاخصه آدمی، سابقه‌ای طولانی دارد.» (روبنز، ۱۹۹۷: ۱۶) اندیشمندان بسیاری به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای توضیح اهمیت نقش زبان بوده‌اند؛ بنابراین رویکردهای مختلف گفتمانی را پیشنهاد نمودند. تحلیل گفتمان که در بلاغت سنتی به تحلیل «گفتار، وعظ، خطابه و مقال» (العموش، ۱۳۸۸: ۷) اطلاق می‌شود، به «مطالعه زبان در ورای مرزهای جمله و مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه» (بوقره، ۲۰۱۲: ۱۳) می‌پردازد و بدین منظور «زبان نوشتاری، گفتاری و پدیده‌های نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.» (تلاوی، ۲۰۰۹: ۸) از این منظر، مؤلفه‌های مورد بررسی در یک کُنش ارتباطی؛ شامل فحوای سخن، هدف، ارتباط و حال و مقتضای گفتمان است. تحلیل گفتمان متون این امکان را فراهم می‌آورد که «تضادهای دوگانه مابین آنچه در متن هست و آنچه نیست؛ اما با موضوع آن متن مرتبط است.» (جرفی و عبادیان، ۱۳۹۳: ۴) بررسی شود. بر این اساس، گفتمان متون به رخدادی کلامی بدل می‌شود که «عناصر اصلی آن را پیام‌رسان، پیام‌گیر، پیام و هدف تشکیل می‌دهد.» (یقظین، ۱۹۸۹: ۹) در تحلیل گفتمان، هدف که «توصیف کلام معنی‌دار فراتر از جمله» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۶) است، نقش بارزی در ارتباط کلامی پیام‌رسان و پیام‌گیر دارد و «در شکل گفتار و شیوه ساخت آن تأثیر می‌گذارد و بسیاری از متغیرهای سبکی را تفسیر می‌نماید.» (مفتاح، ۱۹۹۰: ۱۶۷)

تحلیل گفتمان انتقادی از جمله روش‌های تحلیل گفتمان است که «به مطالعه چگونگی تولید، بازتولید و استمرار نابرابری‌ها، سلطه و قدرت اجتماعی در بافتار سیاسی و اجتماعی می‌پردازد.» (Schiffrin, & others, 2001: 12). در میان نظریه‌پردازان گفتمان انتقادی، آنچه در پژوهش حاضر بر آن تأکید می‌شود، الگوی اجتماعی-شناختی ون‌دایک است. ون‌دایک در تحلیل گفتمان، به مطالعه استراتژی‌های متن و گفتار می‌پردازد و رابطه آنها را با بافتار اجتماعی و سیاسی مطالعه و بررسی می‌کند. وی بر این باور است «با برجسته‌سازی نکات مثبت خود و نکات منفی دیگری و حاشیه‌رانی نکات منفی خود و نکات مثبت دیگری، می‌توان در نظام فکری افراد رخنه کرد.» (Van Dijk, 2006: 121) او از این چهار ویژگی گفتمان به مربع ایدئولوژیک (Ideological Square) (Van Dijk, 2000: 44) تعبیر می‌کند و آنها را در سطوح مختلفی؛ همچون «معنی، ساخت گزاره‌ای، ساخت‌های صوری، نحو جمله، صورت‌های گفتمان، استدلال، بلاغت، عمل و عکس‌العمل» (کسایبی و رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۳۳) دسته‌بندی می‌کند.

سرود ملی به دلیل تأکید فراوان بر حفظ بن‌مایه‌های فرهنگی و تصویرسازی از مشروعیت هویت خود و سلب آن از هویت دیگری، «موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که به عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌شود.» (لقمان‌نیا: ۱۳۹۰، ۳۴) و آن را به یکی از پایه‌های هویت ملی تبدیل می‌نماید. نظم گفتمانی حاکم بر سرود ملی «با شکل‌دهی گفتمان خود، تصویری مثبت از هویت خود ارائه می‌نماید.» (فضیله: ۲۰۱۲: ۴). درک این نظم منجر به کشف مناسبات قدرت در جهت بازتولید و حفظ ساختارهای اجتماعی و سیاسی و همچنین مشروعیت‌بخشی به هویت ملی می‌گردد. سرود ملی به مثابه «گونه‌ای پربار از هنر و ادبیات مردمی است که حامل مؤلفه‌ها، نشانه‌ها و کارکردهای معنی‌دار در آفرینش، نگهبانی و عرضه عناصر هویت ملی است.» (مهرپرور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶) از آنجا که ایدئولوژی «نظامی از باورها و عقاید است که با انتخاب مناسب واژگان، قواعد و ساختار، تولید و نشر می‌شود» (عموری، ۲۰۱۳: ۱۳۸)، تحلیل‌گر انتقادی گفتمان «با شکستن اجزاء زبانی، سعی در دست‌یافتن به ایدئولوژی‌های پنهان‌شده در متن دارد.» (فوداک و مایر، ۲۰۱۴: ۱۸) این پژوهش نیز باتوجه به روش ارائه‌شده از سوی ون‌دایک و با هدف کشف رابطه میان گفتمان و ایدئولوژی، بر آن است تا نشان دهد چگونه سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه‌ی شام (لبنان، اردن، سوریه، فلسطین و عراق) که شباهت‌های جغرافیایی و فرهنگی نزدیکی با یکدیگر دارند، به منزله بازتولیدهای اجتماعی و سیاسی، در گفتمان خاص کشور خود در سطح جهانی به تصویر کشیده می‌شود و چگونه گفتمان ایدئولوژیک به مثابه وسیله‌ای برای تأیید تسلط گروهی بر گروه دیگر شکل می‌گیرد.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- سرود ملی کشورهای عربی حوزه‌ی شام تا چه میزان توانسته است نقش ملی خویش را در سطح گفتمانی در مقابل کشورهای مخالف به تصویر بکشد؟
- ۲- کدام یک از سطوح گفتمانی ون‌دایک، در برجسته‌سازی و به حاشیه‌راندن گفتمان در این سرودها مؤثر بوده است؟

۱-۳. روش و چارچوب پژوهش

روش کار در این پژوهش بدین‌صورت است که پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات طبقه‌بندی شد و مشخصات متن در پیکره پژوهش بیان گردید. سپس متن سرودهای ملی براساس موضوع مورد مطالعه، متغیرها و شاخص‌های پژوهش، به اجزایی؛ همچون بند، جمله و عبارت تجزیه شد. در نهایت، از ابزارهای زبانی و تحلیل‌های کلان و خرد زبانی برای تحلیل برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های متن استفاده شد.

۴-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه بررسی و تحلیل سرودهای ملی صورت گرفته است؛ از آن جمله: غفاری و احمدی (۱۳۹۴) در مقاله «بازنمایی ارزش‌های انقلابی در دومین سرود ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ انصاری و شرفزاده (۱۳۹۴) در پایان‌نامه «بررسی سرود ملی کشورهای مختلف از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»؛ سنجابی و داوری در سه مقاله «توصیف فرازبانی از سرودهای ملی کشورهای جهان و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی» (۱۳۹۳) و «کنکاشی در ساختار زبانی و محتوایی سرودهای ملی: مطالعه تطبیقی کشورهای آسیایی و پنج عضو دائم شورای امنیت» (۱۳۹۳) و «کاوشی در ساختار زبانی و محتوایی سرودهای ملی کشورهای اروپایی» (۱۳۹۵)؛ غیاثیان و لبش (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی رابطه سرودهای ملی حماسی با انگیزش احساسات و همبستگی و غرور ملی».

همچنین چندین پژوهش یافت شد که از منظر الگوی نظری با پژوهش حاضر مشابهت دارد؛ از آن جمله: آفاگل‌زاده و علی جماعت (۱۳۹۱) در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انتقادی مناظرات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی بر پایه نظریه ون‌دایک»؛ پهلوان‌نژاد و شریعت‌پناه (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان وغ و غ ساهاب بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی-شناختی ون‌دایک»؛ تیما و یزدانی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه «مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های ایدئولوژیکی در مناظره انتخاباتی اوپاما و رومنی براساس مدل گفتمانی ون‌دایک و کاربردهای آموزشی آن»؛ احمدی و رضاپور (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انتقادی استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون‌دایک»؛ حامدی و زرقانی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک»؛ رشیدی و سعیدی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی بر اساس چارچوب تحلیلی ون‌دایک و ون‌لیوون»؛ رسولی و قنبری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه «تأثیر استراتژی‌های گفتمان ون‌دایک بر مهارت نوشتاری زبان‌آموزان ایرانی»؛ شریفی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «ایران‌هراسی در گفتگوهای خبری سی‌ان‌ان: مطالعه‌ای بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک»؛ جوهرچی و نجیبی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل حکایت جدال سعدی از گلستان بر اساس مربع ایدئولوژیک ون‌دایک»؛ زارع و نجات (۱۳۹۵) در پایان‌نامه «بررسی تأثیر ایدئولوژی در ترجمه سخنان رئیس‌جمهور روحانی در سایت‌های انگلیسی‌زبان خارجی براساس مدل ون‌دایک»؛ آفاگل‌زاده و یاسمی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگلیش فایل با استفاده از مدل ون‌دایک»؛ امین و طالبیان (۱۳۹۶) در مقاله «توازن حکایات اصلی و فرعی: ابزار پیوند انسجامی در بازنمود مربع ایدئولوژیک گفتمان تاریخ بیهقی»؛ انصاری‌نیا و خزعلی (۱۳۹۶) در مقاله «جلوه‌های تمدنی در مناظره امام رضا و جاثلیق در موضوع نبوت بر مبنای مربع ایدئولوژیک ون‌دایک».

در میان جستجوهای انجام‌شده، تنها یک اثر یافت شد که به بررسی نظام گفتمانی سرودهای ملی پرداخته‌است. احمدی و نادری (۱۳۹۳) در مقاله «گفتمان‌شناسی گزیده‌ای از سرودهای ملی کشورهای جهان»، محتوای سرودهای ملی کشورهای جهان را مورد تحلیل قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که جملات این سرودها شامل ۲۹ نقش متفاوت است که نقش‌های توصیف و ندا به ترتیب پربسامدترین و نقش‌های ملامت، انذار و تسلی کم‌بسامدترین کارکردها را دارا است.

با بررسی این آثار چنین دریافت می‌شود که نظریه ون‌دایک، الگویی بسیار مناسب جهت تحلیل نظام گفتمانی آثار سیاسی و حماسی است و از آن جهت که سرودهای ملی همه ویژگی‌های ژانرهای سیاسی و حماسی را داراست؛ لذا می‌توان این گونه ادبی را براساس الگوی ون‌دایک تحلیل نمود.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. الگوی اجتماعی - شناختی (Socio-cognitive discourse) ون‌دایک

ون‌دایک با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلی ارائه نمود که مبنای رویکرد اجتماعی-شناختی وی در تحلیل گفتمان گشت. گفتمان به رویداد ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل «تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات بدن و تصاویر» (عباینه، ۲۰۱۳: ۱۸۳) و همچنین شامل «طرح صفحه‌بندی و جنبه‌های نشانه-شناختی مرتبط با دلالت معنایی» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸) است. منظور از شناخت «شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و ارزش‌یابی‌ها، احساسات و سایر ساختارهای ذهنی و فرایندهای مرتبط با گفتمان و تعامل» (Van Dijk, 1998: 31) است. جامعه نیز «هم تعاملات رودررو و موقعیت خرد محلی را در برمی‌گیرد و هم ساختارهای کلان سیاسی، اجتماعی و جهانی» (همان: ۳۲) بنابراین تأکید ون‌دایک بر نقش و جایگاه شناخت در تحلیل گفتمان، همراه با ارتباطات و تعاملات اجتماعی است.

ایدئولوژی که به معنای نظام باورهایی است که «می‌تواند مبنای کنش‌های اجتماعی (Social practices) چون زبان و گفتمان قرار گیرد» (البحیری، ۱۹۹۷: ۴۱) در دستور کار ون‌دایک قرار گرفت. وی برای تبیین ارتباط نظام ایدئولوژی با گفتمان، مربع ایدئولوژیک را معرفی نمود. این چهار رکن عبارتند از: «تأکید بر نکات مثبت خود؛ تأکید بر نکات منفی دیگری؛ رفع تأکید از نکات منفی خود؛ رفع تأکید از نکات مثبت دیگری.» (حامدی شیروان و زرقانی، ۱۳۹۳: ۱۰۴) ون‌دایک معتقد است طرفداران یک ایدئولوژی در عرصه‌های مختلف از راهکار مثبت‌نمایی خود و منفی‌نمایی دیگران بهره می‌گیرند. «هرگاه درباره خود و دیگران می‌اندیشیم، خودآگاه یا ناخودآگاه، این مربع بر تفکرات، احساسات و رفتارمان حاکم است.» (Van Dijk, 2000: 43-44) این راهکار، سطوح مختلف گفتمان؛ همچون واژگان، نحو جمله و مؤلفه‌های کلان‌تر؛ همچون انتخاب موضوع و عنوان را در برمی‌گیرد.

۲-۲. سطح زیرین سرودهای ملی

برجسته‌ترین تأثیر سرودهای ملی مورد بحث؛ ثبت ایدئولوژی خاص از ملت عرب است تا در راستای هژمونی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن قرار گیرد. نقش هویت ملی پررنگ‌ترین نقش در طرح این سرودهاست؛ زیرا «تثبیت هویت ملی نقش مهمی در تأیید یک سرزمین و عرضهٔ فرهنگ و تمدن آن، به دیگر ملت‌ها دارد.» (بشیشی، ۱۹۹۸: ۲۳). تحلیل گفتمان انتقادی برای درک این مسأله وارد عرصه می‌شود و «چرایی تولید متن را در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و اجتماعی توضیح می‌دهد.» (مکدونیل، ۲۰۰۱: ۱۱)، سپس تحلیل از سطح توصیف متن سرود ملی به سطح تبیین ارتقا می‌یابد و «از لحاظ محدودهٔ تحقیق نیز گسترهٔ تحلیل به سطح کلان؛ یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌یابد.» (آفاگل زاده، ۱۳۸۶: ۸) بدین شکل، نظامی از برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها به وجود می‌آید.

برجسته‌سازی (foregrounding) نکات مثبت خود: سرودهای ملی مورد بحث، روشن‌ترین توضیح

برای هویت ملی عرب‌هاست و نقش آن در هویت‌سازی جامعهٔ عرب بی‌بدیل است. سرود ملی ارتباط ویژه‌ای با کشوری که نمایندهٔ آن است، برقرار می‌کند و عامل متمایزکنندهٔ کشورها از یکدیگر بوده، تأکیدی مجدد بر مرزهای هویتی هر کشور دارد. برای تحقق این هدف تلاش فراوانی می‌شود تا نکات مثبت هویت خود برجسته‌سازی شود. نمونه مثال‌های زیر در راستای تحقق این هدف است: «کلنا للوطن للعلی للعلم... قولنا والعمل فی سبیل الکمال» (لبنان)؛ «نحن أحرزنا المنی... دُمتَ نورا وهدی فی البرایا سیداً... تحت أعلامک مجدُّ العرب» (اردن)؛ «یا شعبی یا شعبَ الخلود... صعدتَ الجبالَ وخصُتَ النضال... قهرتَ المحالَ حطمتَ الحدود... فلسطین ثاری وأرضُ الصمود» (فلسطین)؛ «موطنی! الجلال والجمالُ والسناءُ والبهاءُ فی رباک... والحیاءُ والنجاهُ والهناءُ والرجاءُ فی هواک... یَهْرُنَا یَهْرُنَا عَزْنَا عَزْنَا» (عراق).

برجسته‌سازی نکات منفی دیگری: در این سرودها از ساختارهایی استفاده می‌شود که به صورت

مستقیم یا ضمنی، نکات منفی هویت دیگری برجسته‌سازی می‌شود؛ برای مثال: «سأحیا فدائی وأمضی فدائی وأقضی فدائی إلی أن تعود...» (فلسطین) (برجسته‌سازی ضمنی غصب سرزمین توسط دشمن، که این امر باعث جانفشانی مردم فلسطین در بازپس‌گیری سرزمین می‌شود و «یا هُناک فی غَلاک قاهرأ عِداک» (عراق) (برجسته‌سازی ضمنی تجاوزگری دشمن که این امر سبب شده با دشمن مبارزه کنند و مغلوبشان نمایند)؛ «نستقی من الرّدی ولن نکونَ للعدی کالعیبید» (عراق) (برجسته‌سازی نفی برده پنداشته شدن از نگاه دشمن)

حاشیه‌رانی (backgrounding) نکات منفی خود: با این‌که در نظام گفتمانی سرودهای ملی، نکات

مثبت خود و نکات منفی دیگری برجسته‌سازی می‌شود، نکات منفی خود نیز به حاشیه رانده شده و رفع

تأکید می‌شود: «عزّمه لایخمد» (لبنان) (به‌حاشیه‌راندن ویژگی منفی بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری از خود) (لبنان)؛ «أبت أن تذللّ النفوس الكرام... وعرشُ الشّمسِ حمیّ لا یضام» (سوریه) و «نستقی من الرّدی ولن نكون للعدی كالعبید... لانریدك ذلنا المؤیدا وعیشنا المنکدا» (به‌حاشیه‌راندن انتساب هرگونه خواری و پستی و تجاوز به خود)

حاشیه‌رانی نکات مثبت دیگری: تولیدکننده گفتمان سعی می‌کند نکات مثبت هویت دیگری را به حاشیه براند و به هدف اصلی گفتمان که برجسته‌سازی نکات مثبت هویت خود است دست یابد. نمونه: «تحت أعلامک مجدّ العرب» (اردن) (اشاره به اینکه بزرگواری و تعالی دیگر کشورهای عربی -دیگری- از خود آنها نیست؛ بلکه از لطف و مرحمت پادشاه اردن است)؛ «عرین العروبه بیت حرام» (سوریه) اشاره به این‌که بیشه عرب‌ها -بالاخص سوریه- جایگاهی مقدس در میان دیگر کشورها دارد، تا جایی که می‌توان آن را؛ همچون مسجدالحرام محترم و مقدس پنداشت.

با بررسی سرودهای ملی مورد بحث چنین برداشت شد که نظام ایدئولوژیک آنها بیشتر بر برجسته‌سازی نکات مثبت خود (۶۶٪) استوار است و حضور سه ضلع دیگر مربع کمرنگ‌تر است؛ برجسته‌سازی نکات منفی دیگری ۱۳٪؛ به حاشیه‌راندن نکات منفی خود ۱۲٪؛ به حاشیه‌راندن نکات مثبت دیگری ۹٪. این بسامد را ناشی از آن است که این سرودها به‌مثابه نمادی از هویت ملت عرب است که غالباً برای مشروعیت‌بخشی به هویت ملی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین می‌تواند افتخارات، خاطرات جمعی و ارزش‌های ملی خود را تجسم بخشد و موجب تحکیم هویت ملی گردد.

۲-۴. سطح زبّین سرودهای ملی

گفتمان سرود ملی که صرفاً برای برجسته‌سازی نمادهای ملی خلق می‌شود در سطوح زبّین، حاوی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار است. خلق چنین آثاری، امری است مشکل که نیاز است خالق آن اثر در خصوص جنبه‌های کاربردی-زبانی (pragmalinguistic) مهارت کافی داشته باشد. با تحقق این مهم، مخاطب بهتر می‌تواند با ارزش‌های ملی، همذات‌پنداری نماید. سطح زبّین گفتمان؛ شامل سطوح مختلفی است (رشیدی و سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۷) که در ادامه به هر یک از آنها با مصادیقی از سرودهای ملی مورد بحث اشاره می‌شود.

۱-۲-۴. معنی (meaning)

معنی، همواره از طریق زبان که متشکل از نظام دال و مدلول است، بازنمایی می‌شود؛ بنابراین باید «شبهه پیچیده دال و مدلول‌ها کشف شود تا ایدئولوژی نهفته در ورای ظاهر طبیعی معنی، آشکار گردد.» (عرب یوسف‌آبادی و میرزاده، ۱۳۹۵: ۸۰) معنی پایه و اساس ایدئولوژی است؛ زیرا «ایدئولوژی می‌تواند در هر نقطه از گفتمان خود را نشان دهد؛ اما محتوای این ایدئولوژی به صورت مستقیم در معنی پدیدار می‌گردد.» (Van Dijk, 2006: 128) با این توضیحات، گفتمان به مجموعه‌ای از عبارات سازمان‌یافته اطلاق می‌شود که «به مفاهیم و ارزش‌های یک

مجموعهٔ خاص، معنا و مفهوم می‌بخشد و برای موضوع مورد بحث، چارچوب تعریف می‌کند. (Caldas- Coulthard & M. Coulthard, 2003: 7) معنی می‌تواند در جنبه‌های گوناگونی از متن جلوه یابد؛ از آن جمله: عنوان، پیش‌انگاره، دگرگویی، تقابل و غیره.

۱-۲-۱. عنوان (topic)

یکی از اجزای مهم متن است که در بازنمایی معنای متن تأثیر دارد. عنوان «آینه‌ای است برای انعکاس معنی نهفتهٔ متن که به بازنمایی امور پنهان و ایدئولوژی حاکم بر گفتمان متن می‌پردازد.» (رسن و أحمد عباس، ۲۰۱۶: ۲۲۷) عنوان سرودهای مورد بحث، چارچوبی نمادین از دال مرکزی را به مخاطب عرضه می‌کند و باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطب از دنیای متن می‌گردد.

عنوان	لبنان	اردن	فلسطین	سوریه	عراق
عنوان	کُنَّا لِلوطن	السلام الملکی الأردنی	فدائی	حماة الدیار	موطنی
سُراینده	رشید نخلة	عبدالمنعم الرفاعی	سعید المزین	خلیل مردم‌بک	ابراهیم طوقان

عناوین بالا به صورت مستقیم هویت ملی عرب‌ها را برجسته‌سازی می‌کند؛ به گونه‌ای که دال مرکزی در اغلب آنها بجز اردن، حریمی معرفی می‌شود که مجموعه‌ای از افراد در آن زندگی می‌کنند؛ لذا وطن‌دوستی به عنوان حسی معرفی می‌شود که افراد را به آرمان ملی و دفاع از آن ملحق می‌نماید. با انطباق عنوان سرود اردن بر متن سرود نیز دریافت می‌شود که دال مرکزی آن، پادشاهی اردن است. با توصیف ایدئولوژی پنهان عناوین سرودها و آشکارسازی جنبه‌های پنهان استفاده از واژگان خاص در هر عنوان، می‌توان حقایق گفتمانی هر سرود را نشان داد و شگردهایی که در طول گفتمان برای برجسته‌سازی خود و به حاشیه‌رانی دیگری به کار گرفته می‌شود، به تصویر کشید. همچنین عناوین فوق‌الذکر علی‌رغم اینکه به دلیل محدودیت فضا، در کمترین ساختار واژگانی و نحوی بیان شده، توجه مخاطب را جلب می‌نماید و پیام مورد نظر را در راستای عمومیت بخشی به هویت ملی انتقال می‌دهد.

۱-۲-۲. میزان جزئیات (manifestation)

با تحلیل جزئیات گفتمان سرودهای مورد بحث، عناصر اجتماعی، ایدئولوژیک و فرهنگی آن درک می‌شود و لایه‌های زیرین زبان کشف می‌گردد. ون‌دایک معتقد است برای هژمونی باید «میزان جزئیات دال‌های مرکزی و شناور به شکل قابل قبولی به مخاطب ارائه گردد.» (Van Dijk, 2006: 122) در برخی از سرودها با انتخاب جزئیات خاص و با استفاده از برخی روابط معنایی در سطح واژگان به منزلهٔ ابزار زبانی، نوعی برجستگی و جذابیت مفهومی ایجاد می‌شود و سعی بر آن است تا معنا به صورت واضح‌تر به مخاطب القا شود. در سرود لبنان از واژهٔ أُرْز (درخت سِدر) که نماد ملی لبنان است (خیراندیش و شایان، ۱۳۷۰: ۱۹۶) و «اشاره به زیباترین و مشهورترین درخت این سرزمین دارد و نماد پاکی و صلح نیز به شمار می‌آید.» (Smith, 1984: 11/357)

استفاده شده است. این واژه به همراه جزئیاتی؛ همچون بزرگواری و جاودانگی آمده است: «مجدّه أرزّه رمزه للخلود» تا به صورت ضمنی در ذهن مخاطب نهادینه شود که سرزمین لبنان (أرز) همواره با بزرگواری و جاودانگی پیوند خورده است. در سرود اردن نیز جزئیاتی؛ همچون نور، هدایت، سروری، آرامش و بزرگواری به پادشاه اردن نسبت داده می‌شود: «دُمتَ نوراً و هدیّ فی البرایا سیّداً هانئاً مُمجدّاً». در سرود ملی سوریه استفاده از عبارت نفوسُ أباهُ به جای الشعب السوري و توصیفات؛ همچون عرینُ العروبه؛ بیت حرام؛ عرشُ الشموس و ربوعُ الشّام برای هژمونی سرزمین سوریه، از نوع بارورسازی معنایی است که ایدئولوژی حفظ قدرت و ثبت هویت ملی- فرهنگی ملت سوریه را تصریح می‌کند: «عرینُ العروبهُ بیتُ حرام و عرشُ الشّمسِ حِمیّ لا یضام، ربوعُ الشّامِ بروجُ العلاء». در سرود فلسطین نیز برای اشاره به ملت فلسطین از واژه یا شعب الخلود و برای برجسته‌سازی سرزمین فلسطین از واژه‌های داری، ناری، ثاری و أرض الصمود استفاده می‌شود: «یا شعبی یا شعب الخلود... فلسطینُ داری فلسطینُ ناری فلسطینُ ثاری و أرضُ الصمود». در سرود ملی عراق، شاعر از جزئیات بی‌شماری برای برجسته‌سازی جایگاه والای عراق بهره می‌برد: «الجلال والجمال و السناء و البهاء فی رباک... و الحیاء و النجاه و الهناء و الرجاء فی هواک... هل أراک سالماً مُنعماً و غانماً مُکرمّاً هل أراک فی علاک».

۳-۱-۲-۴. پیش‌انگاره (implication)

گاه تولیدکننده گفتمان، منظور خود را به صراحت به مخاطب انتقال نمی‌دهد؛ بلکه از ساختارهایی استفاده می‌کند که پیش‌انگاره‌ای از پیام به مخاطب القا می‌گردد. علت استفاده از این ساختار زبانی در این است که «فاصله اجتماعی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر، ایجاب می‌کند که پیام‌رسان منظور خود را با ابهام و غیرمستقیم بیان کند.» (کاده، ۲۰۱۴: ۱۸۰؛ به نقل از عرب یوسف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۶) در سرود لبنان شاعر از پیش‌انگاره‌ای ادبی برای برجسته‌سازی مفهوم جنگاوری و علم‌ورزی استفاده می‌کند: «ملءُ عینِ الزّمنِ سیفناً والقلم» مشابه این کارکرد گفتمانی در سرود ملی اردن مشهود است که به قدرت‌نمایی و پایداری نظام پادشاهی اشاره دارد: «خافقات فی المعالی أعلامه». شاعر همچنین برای بیان اهداف والای انقلاب اردن از پیش‌انگاره‌ای دیگر بهره می‌برد: «نهضةٌ تحفزنا تتسامی فوق هام الشهب». اوج شکوفایی پیش‌انگاره‌ها در سرود ملی سوریه است، آنجاکه شاعر به صورت ضمنی، ملتش را بزرگ و والا برمی‌شمرد و تأکید می‌کند که از قدیم‌الایام این ملت از هرگونه خواری و ذلت دوری جسته و در برابرش ایستادگی کرده است: «أبت أن تذللّ النفوس الكرام». در ادامه شاعر برای برجسته‌سازی جایگاه والای سوریه در مقابل دیگر سرزمین‌ها، همه عناصر طبیعی سرزمین از جمله زمین، آسمان و دشت و تپه‌زار را به‌کار می‌گیرد و پیش‌انگاره‌هایی از اوج و تعالی ترسیم می‌نماید: «وعرشُ الشّمسِ حِمیّ لا یضام... ربوعُ الشّامِ بروجُ العلاء... تُحاکی السّماءَ بعالی السّنا... فأرضُ زهت بالشموس الوضا».

دگرگویی، یکی از پرسامدترین روابط معنایی در گفتمان، اهمیت ویژه‌ای دارد. (راستگو و فرضی شوب، ۱۳۹۶: ۱۱) این رابطهٔ مفهومی در واقع کاربرد واژگانی است که در یک متن، پیام‌رسانی یکسانی دارند، ولی در ساختار، کاملاً با هم متفاوت هستند. «تولیدکنندهٔ گفتمان تلاش می‌کند از واژگان و ساختارهای هم‌معنی و مترادف با برخی از واژگان کلیدی گفتمان استفاده نماید.» (Van Dijk, 2002: 89) و این امر، زمانی محقق می‌شود که «بتوان به‌جای جزء یا اجزایی از یک زنجیرهٔ زبانی، جزء یا اجزای دیگری نهاد، بی‌آنکه معنی زنجیره تغییر یابد.» (Lyonz, 1995: 64). این واژگان به‌ظاهر متفاوت می‌توانند تأثیر متفاوتی در پیشبرد گفتمان داشته باشند. از آنجا که واژه‌های هم‌معنی به‌لحاظ عاطفی و شناختی با هم تفاوت دارند، یافتن چنین واژگانی مهارت و دقت خاصی می‌طلبد. در سرودهای ملی مورد بحث، دگرگویی‌های واژگانی مشهود است؛ اما هر یک از آنها با کسب مشخصهٔ معنایی تمایزدهنده، به جدایی از دیگری می‌گراید. این کارکرد واژگانی به صورت عامدانه از جانب تولیدکنندهٔ گفتمان رخ می‌دهد؛ لذا هیچ‌دو واژه‌ای را نمی‌توان در آنها یافت که در بافت زبانی سرود بتوانند به‌طور کامل به‌جای یکدیگر به‌کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاید؛ مثلاً دو واژهٔ نور و هدایت با وجود اینکه صورت آنها با هم متفاوت است و گاه از لحاظ معنایی کاربردی یکسان دارند؛ اما از لحاظ پیام‌رسانی، تفاوت‌های آشکاری می‌توان میان آن دو یافت؛ نور می‌تواند ابزار رسیدن به مقصد و هدایت یافتن باشد؛ بنابراین اگر در یک گفتمان قصد داشته باشیم این دو واژه را کنار یکدیگر قرار دهیم، اولویت معنایی را باید رعایت نمود: «دُمت نورا وهدی». در سرود ملی سوریه نیز از دو مشخصهٔ هم‌معنی الکرام و أباء که از لحاظ صورت با یکدیگر تفاوت دارند، برای اشاره به نفوس (مردم سوریه) استفاده شده‌است؛ اما میزان کارکرد هر واژه و نوع آن نسبت به واژهٔ دیگر تفاوت‌هایی معنایشناختی دارد. در ابتدا، شاعر مردم سرزمینش را بزرگوار توصیف می‌کند و در ادامه، هرگونه زشتی و بدی را از آنها دور و آنها را دارای روحیه‌ای می‌پندارد که از هر نوع پلیدی ابا دارند: «أَبَتْ أَنْ تَذِلَّ النُّفُوسُ الْكِرَامُ... نَفُوسٌ أَبَاءٌ وَمَا ضَ مَجِيدٌ». در سرود ملی عراق مشخصه‌های معنایی بسیار مشابهی به سرزمین عراق نسبت داده می‌شود: «سَالِمًا مُنْعَمًا وَغَانِمًا مُكْرَمًا»؛ اما برجستگی معنایی هریک از آنها در طول گفتمان نمود می‌یابد؛ مثلاً سلامت (سالمًا) و در ناز و نعمت بودن (مُنْعَمًا) و باروری (غَانِمًا) تقریباً مفهوم یکسانی دارند؛ اما میزان و درجهٔ کارکرد هر واژه با واژهٔ دیگر تفاوت دارد. بدین‌شکل که ابتدا سلامت و ایمن‌بودن سرزمین و مردم آن اهمیت دارد و سپس در ناز و نعمت قرارگرفتن و باروری سرزمین.

تقابیل، از پیوندهای معنایی میان واژگان است که در بُعد واژگانی در حوزهٔ مطالعات دستور زبان قرار می‌گیرد. این پدیدهٔ زبانی به کنارهم آمدن واژگانی گفته می‌شود که «کلیهٔ مشخصه‌های آنها بجز یک مشخصه، یکسان باشد یا فقط در یک مشخصه اختلاف داشته باشد.» (فالك، ۱۳۷۷: ۳۵۵)؛ بنابراین نوعی گره‌خوردگی زبانی در «دو

سوی ترکیبی که همدیگر را از نظر مفهومی به یک اندازه نقض می‌کنند. « (مویک، ۱۹۹۳: ۱۱۳) رخ می‌دهد. تولیدکننده گفتمان برای ساخت معنا از این خصیصه زبانی در راستای تقویت گفتمان استفاده می‌کند. هرچه دایره واژگانی وی قوی‌تر باشد، کنارهم آوردن تقابل‌های معنایی برایش آسان‌تر است. در سرود ملی لبنان پیوستگی معنا و تخیل هنری در برخی از مقاطع، از طریق تقابل‌های معنایی؛ همچون پیر و جوان (الشیخ والفتی) و دریا و خشکی (البحر والبر) به کار رفته است: «شیخنا و الفتی عند صوت الوطن... بحرُهُ برُّهُ درَةُ الشرقین». در سرود ملی سوریه نیز شاهد قرارگرفتن تقابل‌هایی؛ همچون خواری و بزرگواری (تذلل و الکرام)، زمین و آسمان (السماء و الأرض) در راستای گسترش گفتمان هستیم: «أبتُ أن تذللَ النفوسُ الکرام»؛ «تُحاکی السماءَ بعالی السَّنا... فأرضٌ زهتٌ بالشموسِ الوضاً». در نمونه‌های ذکرشده، غرابت‌بخشیدن به نظام گفتمان سرود ملی تأثیر مستقیمی در معنابخشی گفتمان ملی دارد؛ زیرا تقابل می‌تواند برخی از لایه‌های زیرین معنی را از زرفا به سطح آورده و فهم آن را برای مخاطب تسهیل نماید.

۶-۱-۲-۴. تعمیم‌دادن (Generalization)

گفتمان، غالباً شکل خاصی از تعمیم است که تولیدکننده گفتمان را قادر می‌سازد تا «باورهایش را درباره خود و دیگری عمومیت بخشیده، در سطح گسترده‌ای بیان کند تا بدین ترتیب تعداد بیشتری را با خود همراه سازد.» (van dijk, 2003: 71) در سرودهای ملی مورد بحث از واژگان و ساختار زبانی خاصی؛ همچون کل، ال استغراق و ضمیر مع‌الغیر نحن/نا برای برجسته‌سازی نکات مثبت خود استفاده می‌شود. برای مثال در سرود لبنان استفاده از واژه کل و ضمیر نحن و نا، در راستای عمومیت‌بخشی مفاهیم جانفشانی، علم‌آموزی و جنگاوری به همه لبنانیان است: «كلنا للوطن للعلی للعلم، ملء عین الزمن سیفنا والقلم...». شاعر در ادامه، قلب تمامی کشورهای مشرق‌زمین را کشور لبنان می‌داند و با این تعمیم‌بخشی معنای هویت ملی را در ذهن مخاطب نهاده می‌سازد: «شرقنا قلبه أبدأ لبناً». همچنین در سرود اردن استفاده از ال استغراق (العرب) که «در دستور زبان عربی بر تمامی افراد یک مجموعه دلالت دارد» (الطویل، ۱۹۸۶: ۴)، برای تعمیم‌دادن پادشاهی اردن به تمامی عرب‌هاست: «یا ملیک العرب... تحت أعلامک مجدُّ العرب.»

۷-۱-۲-۴. ایجاد فاصله (Distancing)

در گفتمان‌ها، مفهوم قدرت و همبستگی سبب پیدایش فاصله یا حذف آن می‌شود؛ بدین‌شکل که «هرچه میزان قدرت میان پیام‌رسان و پیام‌گیر بیشتر باشد، فاصله میان آن دو نیز بیشتر خواهد شد و هرچه از قدرت کاسته شود و همبستگی میان این دو بیشتر شود، از فاصله موجود کاسته می‌شود.» (Walker, 2011: 362) بنابراین «انتخاب‌های زبانی می‌تواند نشان‌دهنده قدرت پیام‌رسان نسبت به پیام‌گیر یا هم‌بستگی میان آن دو باشد» (Bayyurt & Bayraktaroglu, 2001: 210). ون‌دایک معتقد است

تولیدکنندهٔ گفتمان برای ایجاد فاصله بین برخی از قطب‌ها نسبت به برخی دیگر «از تکنیک‌های زبانی خاصی استفاده می‌کند که نشانگر وجود فاصله میان ما و دیگری است.» (van dijk, 2006: 119) در زبان عربی استفاده از ضمائر به جای اسم و همچنین استفاده از واژگان توصیفی برای بیان دال‌ها، از جمله ابزارهای شناختی-اجتماعی در معرفی قطب ما و دیگری است. این مسأله در سرود ملی اردن مشهود است؛ برای مثال در عبارت «دُمتَ نوراً وهدی فی البرایا سیداً هائناً ممجّداً» شاعر برای اشاره به دال مرکزی (پادشاه اردن) از ضمیر بارز تَ در فعل دُمتَ استفاده می‌کند و با آوردن قیده‌های متعدد نوراً، هدی، سیداً، هائناً و ممجّداً برای توصیف دال و قرارگرفتن این قیدها در کنار واژهٔ البرایا که اشاره به عموم مردم دارد، بر قطب‌بندی نظام گفتمانی سرود تأکید می‌کند. در سرود ملی سوریه نیز استفاده از قیده‌های متعدد برای اشاره به دال مرکزی (سرزمین سوریه) برای برجسته‌سازی این سرزمین نسبت به دیگر سرزمین‌هاست؛ بنابراین روند قطب‌بندی (Polarization) و ایجاد فاصله میان این سرزمین (ما) و دیگر سرزمین‌ها (دیگری) صورت می‌پذیرد: «عَرینُ العروبهٔ بیتُ حَرامٍ / وعرشُ الشَّموسِ جَمیّ لا یُضامُ / ربوعُ الشّامِ بروجُ العِلا / تُحاکی السّماءَ بعالی السّنا / فأرضُ زهتُ بالشّموسِ الوضّاءُ / علی عَلمٍ ضمّ شَمَلُ البِلادِ». مشابه این کارکرد گفتمانی در سرود ملی عراق دیده می‌شود؛ آنجا که شاعر میان خواسته‌هایی که بر وفق مراد ملت وی نیست و خواسته‌هایی که جزو آرمان‌های انقلابی آنهاست، دو قطب کاملاً متضاد ترسیم نموده و با قیده‌های متعدد، فاصله‌ای عمیق میان دو قطب ایجاد می‌نماید: «لانرید ذُلنا المؤیّدا وعیشنا المنکّدا / لانرید ۰۰۰ بل نُعید / مجدنا التلید».

۲-۲-۴. ساخت گزاره‌ای (propositional structures)

تحلیلگر گفتمان انتقادی به دنبال یافتن رابطهٔ میان ساختارهای زبانی و ایدئولوژی پنهانِ رای گفتمان است تا کشف کند که چگونه کارکردهای اجتماعی لایه‌های زیرین گفتمان در لایه‌های زبرین بازنمایی می‌شوند. به عقیدهٔ ون‌دایک «یکی از این راه‌ها، شناخت ساختار گزاره‌ای گفتمان و اجزای آن؛ یعنی موضوع و محمول است.» (van dijk, 2006: 130) منظور از موضوع «هر آن چیزی است که دربارهٔ حالات و ویژگی‌های آن سخن گفته می‌شود.» (الجزر، ۲۰۱۴: ۴۲۹) و منظور از محمول «بخشی از کلام است که به موضوع اسناد داده می‌شود.» (همان: ۴۳۱) با پیوند معنایی موضوع و محمول در نظام گفتمانی ون‌دایک، ایدئولوژی به مثابه نگرشی فراگیر معرفی می‌شود که دربرگیرندهٔ شناخت اجتماعی است؛ یعنی «بازنمودها و نگرش‌های مرتبط با برخی جوانب جهان اجتماعی.» (van dijk, 1993: 258) ون‌دایک معتقد است موضوع و محمول گفتمان در جهت بازتولید برتری اجتماعی است؛ بنابراین مفاهیمی؛ همچون «قدرت، سلطه، ایدئولوژی، سلطه‌طلبی، جنسیت و ساختار اجتماعی»، (van dijk, 1988: 354) می‌تواند از جمله مفاهیم اساسی باشد که در گفتمان سرود ملی به محمول اشاره دارد. «قولنا والعملُ فی سبیل الکمال»

(لبنان)؛ «نحن أحرزنا المنى» (اردن)؛ «فمنا الوليدُ ومنا الرشيدُ» (سوریه)؛ «فَهَرَّتْ المحالَ حَطَمَتْ الحدودَ بعزم الرياحِ وناهِ السلاحِ وإصرارِ شعبي لخوض الكفاح» (فلسطين). موضوع مثال‌های ذکر شده با اسناد به ضمائر نحن، نا، ت و أنا، اساساً در ضدیت با موضوع قطب دیگر شکل می‌گیرد. محمول نیز برای هویت‌بخشیدن به موضوع/خود در برابر دیگر، در قالب محمول‌های دوقطبی متشکل از ما و دیگری ایجاد می‌شود؛ بنابراین به واسطه سازوکارهای واژگانی که انسجام و معنای کل متن را در اختیار می‌گیرد بر ویژگی‌های مثبت خود در برابر ویژگی‌های منفی دیگری/آنها تأکید می‌شود. «بازنمودهای ذهنی اغلب بر محور ما-آنها تصریح می‌شود؛ بدین‌قرار که گوینده گرایش دارد، گروه خود را در قالب تعابیر مثبت و گروه‌های دیگر را در قالب تعابیر منفی ترسیم کند.» (Van Dijk, 1998: 22)

۳-۲-۴. ساخت صورتی (formal structures)

تحلیل متون کتبی و شفاهی به مخاطب این امکان را می‌دهد «تا بیشتر و بهتر پنهان‌کاری‌های ادبی و لایه‌های زیرین زبان ادبی آن را دریابد.» (آشوری، ۱۳۷۷: ۲۱۰) و نادایک گفتمان را «شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی یا حتی به طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن» (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۷-۸) می‌داند و بر این باور است که نقش گفتمان تنها بیان ایدئولوژی نیست؛ بلکه گفتمان «در بازتولید ایدئولوژی‌ها نقش اساسی دارد.» (Van Dijk, 1998: 22) او معتقد است تولیدکننده گفتمان «از واژگان و صورت‌هایی استفاده می‌کند که به‌طور مستقیم به ایدئولوژی نهفته گفتمان اشاره می‌کند.» (Van Dijk, 2002: 92) تکرار برخی واژگان و یا برجسته‌سازی آن به وسیله قیده‌های تأکیدی یا ادوات استثناء می‌تواند از جمله این ساخت‌های صورتی باشد. تکرار واژه الوطن (۴بار در سرود لبنان)؛ الملیک (۳بار در سرود اردن)؛ استفاده از ترکیب‌های مختلف وصفی و اضافی برای اشاره به سرزمین (۵بار) در سرود سوریه؛ تکرار واژه فدائی (۹بار) و واژه أرض (۵بار) و واژه فلسطین (۳بار) در سرود فلسطین؛ تکرار واژه موطن (۶بار) و ترکیب‌های وصفی و اضافی مختلف برای اشاره به جایگاه والای سرزمین (۵بار) در سرود عراق، همگی برای برجسته‌سازی دال مرکزی در سرودهای ملی مورد بحث است. همچنین بسامد بسیار بالای ضمیرهای متکلم وحده و مع‌الغیر (۶۹بار) اشاره به این دارد که این ساخت‌های صورتی صرفاً برای برجسته‌سازی هویت خود مورد استفاده قرار گرفته‌است.

۴-۲-۴. نحو جمله (sentence syntax)

منظور از نحو جمله، ساختارهای زبانشناختی است که «تغییر و تبدیلیشان به صورت دیگر در گفته یا متن، باعث می‌شود از گفته برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود یا برعکس، متن صراحت بیشتری یابد.» (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۸) مثلاً میان دو جمله: فرزندان توسط والدین تربیت می‌شوند (مجهول)؛ والدین، فرزندان را تربیت می‌کنند (معلوم) تفاوت نحوی وجود دارد. در جمله اول

فرزندان حکم آغازه دارد و بنابراین موضوع سخن قرار گرفته؛ حال آنکه در جمله دوم والدین در مرکز توجه قرار دارد. «تغییر نحو جمله و انتخاب یکی از دو کنشگر عامل یا پذیرنده، می‌تواند دیدگاه متفاوتی را منعکس نماید.» (مزوز، ۲۰۰۹: ۱۶۷)؛ بنابراین انتخاب کنش مجهول در مقابل معلوم یا بالعکس، ساختاری گفتمان‌مدار به حساب می‌آید. در بخش‌هایی از سرودهای ملی، هر یک از عامل و پذیرنده در مقام مشارکین عمل در ساختارهای نحوی متفاوت بازنمایانده می‌شود. شاعر برای بیان تثبیت مفهوم حکومت و بزرگواری در پادشاهی اردن از ساختار جمله اسمیه استفاده می‌کند: «خافقات فی المعالی أعلامه... تحت أعلامک مجد العرب». حال آنکه شاعر می‌توانست در جمله اول از ساختار فعلیه استفاده نماید و در جمله دوم نیز ترتیب جمله اسمیه را برهم‌زنند. شاعر برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطب از انتقال عاطفه و احساس به وی، از ساختارهای متنوع نحوی در شیوه بیان بهره می‌برد. از آن جمله ساختار ندا است که در سرود ملی سوریه از آن صرفاً برای مخاطب قراردادن ملت سوریه استفاده شده است تا شاعر با این ساختار مفاهیم انقلابی و کرامت و بزرگواری را برجسته سازد: «حماة الدیار علیکم سلام». استفاده از ساختارهای پرسشی جهت تثبیت و استحکام مفهوم افتخار به جانفشانی‌های مداوم مردم سوریه در مبارزه با دشمن نیز از جمله سطوح نحو جمله است: «أما فیہ من کلّ عین سواذ و من دم کلّ شهید مداد؟» کلام پرسشی «به سبب پذیرش معانی ثانوی و تأثیرگذاری در شیوه انتقال مفهوم و احساس به مخاطب» (یوسف، ۲۰۰۰: ۱۷) به گونه‌ای به کار رفته است که تولیدکننده گفتمان، هرگز از مخاطب پاسخی نمی‌خواهد؛ بلکه تنها ذهن او را به پاسخی ترغیب می‌کند که برای خودش روشن و آشکار است. همچنین استفاده از ساختار سوگند که «ارتباط تنگاتنگی با درجه تردید یا باور مخاطب دارد» (البغدادی، ۱۴۰۱ق: ۱۳۳). برای برجسته‌سازی هویت ملی می‌تواند از جمله اهداف نحو جمله باشد: «بحق القسم تحت ظل العلم بأرضی و شعبی و نار الألم سأحیا فدائی و أمضی فدائی». شاعر بنابر سطح تردید مخاطب نسبت به بازپس‌گیری سرزمین فلسطین به دست فلسطینیان، گفتمانش را در بهترین شکل برای انتقال معنا به کار می‌گیرد. از دیگر ساختارهای سازنده نحو جمله، تمنی است. تمنی که به معنای «درخواست امری است که گوینده از وقوع آن خرسند می‌گردد» (السیوطی، ۲۰۱۱: ۱۳۵) با اسلوب‌هایی گوناگون؛ همچون لیت، لعل و هل، آرزوی گوینده به مخاطب انتقال می‌یابد. (العلوی، ۱۹۸۲: ۲۹۱/۳؛ التفتازانی، ۱۹۹۱: ۲۳۹/۲). در سرود عراق از ادات هل برای بیان آرزوی ممکن‌الوقوع مبنی بر پایداری، استواری و تعالی سرزمین عراق استفاده شده است: «هل أراک سالماً منعماً و غانماً مکراً... هل أراک فی علاک تبلغ السماک».

بررسی نحو جمله در سرودهای مورد بحث نشان‌دهنده مهارت تولیدکننده گفتمان در استفاده از گنجایش و توانمندی زبان برای بیان مقصودش است و چیرگی در این فن به سلامت ذوق وی و مهارت در چینش اجزای کلام وابسته است.

۵-۲-۴. صورت‌های گفتمان (discourse forms)

قرارگیری واژگان در محور همنشینی (Syntagmatic axis) گفتمان باعث شکل‌گیری صورت‌های گفتمان است؛ بنابراین «طرز همنشینی واژگان از نظر ایدئولوژیک، طرحی خاص به متن می‌دهد.» (Fairclough, 2002: 174) از آنجا که «زبان گونه‌ای از زنجیره کلام است که در آن، واحدهای زبانی طبق قانون‌مندی خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند تا پیامی را به مخاطب انتقال دهند» (مفتاح، ۱۹۹۲: ۷۰)، اجزای گزاره‌های زبان می‌توانند در جمله جابجا شوند و «این جابجایی ممکن است در راستای انتقال ایدئولوژی خاص باشد.» (Van Dijk, 2006: 132). در سرودهای ملی مورد بحث کنار هم قرارگرفتن واژگان خاص سبب شده اجزای کلام با یکدیگر هم‌نشین شوند و معنایی ویژه به همراه داشته باشند. همنشینی واژگان الوطن، العلی، العَلَم، السیف، القلم، الشیخ، الفتی، العزّ و المجد در سرود ملی لبنان سبب شده است که معنا و مفهوم مورد نظر شاعر به مخاطب انتقال یابد. درحقیقت این واژگان با نظام معنایی خاص دربردارنده جهان‌بینی شاعر است که ماده خام تجربه را در قالب جهانی بامعنا در ذهن مخاطب نهادینه می‌نماید. محور همنشینی سرود ملی فلسطین نیز متناسب با دال مرکزی آن (پایداری و مقاومت) پیش می‌رود. استفاده از واژگانی؛ چون الفداء، العزم، النار، الثأر، النضال، السلاح، الکفاح مؤید این مدعاست. یکی از بهترین صورت‌های گفتمان را در تقدیم و تأخیرهای مبتدا و خبر در مقطعی از سرود عراق شاهد هستیم: «الجلال و الجمال و السناء و البهاء فی رباک... و الحیاء و النجاة و الهناء و الرجاء فی هواک.» شاعر با مقدم‌کردن واژه‌هایی خاص توانسته است انسجام معنایی و لفظی ایجاد نماید و با تأکید بر مدلول این واژگان، وحدت مضمونی و زبانی بیافریند.

۶-۲-۴. استدلال (argumentation)

تولیدکننده گفتمان می‌کوشد تا «سخنان خود را با استناد به دلایل کافی و شواهد تاریخی، استحکام بخشد تا با این راهکار بتواند قدرت و ایدئولوژی خود را هژمونی سازد.» (Van Dijk, 2006: 133) در سرود ملی اردن برای اثبات انتساب پادشاهی به دودمان هاشمی، به شواهد تاریخی استناد می‌شود و اصالت نسب خویشاوندی پادشاه که به پیامبر می‌رسد، مطرح می‌گردد: «یا ملیک العرب لک من خیر نبی شرف فی النسب حدث عنه بطونُ الکتب.» در سرود ملی سوریه نیز با استناد به دو شخصیت تاریخی برجسته عرب (ولید بن عبدالملک خلیفه اموی و هارون الرشید خلیفه عباسی)، اصالت و برتری آنها برجسته‌سازی می‌شود: «فمنا الولید و منا الرشید فلیم لا نسوّد ولم لا نشید؟» چنین استدلال‌ها و استنادهایی علاوه بر اینکه از جمله راه‌های ایجاد اعتماد در مخاطب است، به منظور طرح ادعا علیه دیگری و اثبات هویت خود شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

- تحلیل انتقادی گفتمان در سرودهای ملی مورد بحث به بررسی زبان در سطحی فراتر از جمله می‌پردازد؛ زیرا زبان از سوی تولیدکنندهٔ گفتمان این سرودها برای ساخت بسیاری از مقولات اجتماعی؛ نظیر هویت، قدرت و سلطه به کار رفته است. به همین سبب، گفتمان آن دارای پی‌طرح‌های گفتمانی تابع روابط قدرت و ایدئولوژی است و سازه‌های اجتماعی شکل‌دهندهٔ گفتمان آن شباهت نزدیکی باهم دارد.

- تولیدکنندگان گفتمان این سرودها با کمک ابزارهای زبانی و گفتمانی و با ایجاد دوقطبی خود و دیگری، به ترتیب به برجسته‌سازی نکات مثبت خود (۶۶٪) و برجسته‌سازی نکات منفی دیگری (۱۳٪) میل بیشتری دارند. علت این برجستگی کارکرد، این است که سرودهای یادشده به منزلهٔ هویت ملی عرب‌هاست و غالباً برای تجسم افتخارات، خاطرات جمعی و ارزش‌های ملی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- معنی، پایهٔ ایدئولوژی در این سرودهاست و با مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متعددی عرضه می‌شود. عنوان، نخستین مؤلفه‌ای است که چارچوبی نمادین از دال مرکزی سرودها را در راستای برجسته‌سازی هویت ملی به مخاطب عرضه می‌کند و باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطب از دنیای متن می‌گردد. همچنین با استفاده از برخی روابط معنایی در سطح واژگان، معنی به صورت واضح‌تر به مخاطب القا می‌شود. برای تحقق این مهم تکنیک دگرگویی و تقابل معنایی به کار گرفته شده است. این دو تکنیک با کسب مشخصهٔ معنایی تمایزدهنده و غرابت‌بخش به نظام گفتمان، به جدایی برخی از واژگان از دیگری می‌گراید و باعث می‌شود که تولیدکنندهٔ گفتمان برای ایجاد فاصله بین برخی از قطب‌ها نسبت به برخی دیگر و برای تأکید بر ویژگی‌های مثبت خود در برابر ویژگی‌های منفی دیگری، از ابزارهای زبانی؛ همچون ضمائر، تعمیم‌دهنده‌ها، تکرار و تقدیم و تأخیر واژگانی بهره ببرد.

- در بخش‌هایی از این سرودها، هریک از عامل و پذیرنده در ساختارهای نحوی متفاوت بازنمایانده می‌شود. این تنوع ساختاری نشان‌دهندهٔ مهارت تولیدکنندهٔ گفتمان در استفاده از گنجایش و توانمندی زبان برای برجسته‌سازی قطب خود است و چیرگی در این فن به سلامت ذوق و مهارت وی دلالت دارد. همچنین قرارگیری واژگان در محور همنشینی گفتمان سرودها باعث شکل‌گیری صورت‌های گفتمانی می‌شود که دربردارندهٔ جهان‌بینی تولیدکنندهٔ گفتمان است.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۷). «گفتار و گفتمان»؛ راه نو، سال ۱، شماره ۷، صص ۱۹-۲۳.
- آفاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»؛ ادب پژوهی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷-۲۷.

- البجیری، سعید. (۱۹۹۷). علم لغة النص: المفاهیم والاتجاهات؛ ط ۲، بیروت: ناشرون.
- بشیشی، الأمين. (۱۹۹۸). أناشید للوطن؛ الجزائر: المؤسسة الوطنية للاتصال والنشر.
- البغدادی، محمد بن حیدر. (۱۴۰۱ق). قانون البلاغة فی نقد النثر والشعر؛ تحقیق محمد غیاض عجیل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- بوقره، نعمان. (۲۰۱۲). لسانیات الخطاب: مباحث فی التأسيس والإجراء؛ بیروت: دار الکتب العلمیة.
- التفنازانی، سعدالدین. (۱۹۹۱). شرح التلخیص؛ ط ۲، مصر: عیسی البابی الحلبي.
- تلاوی، محمد نجیب. (۲۰۰۹). تجدد الخطاب النقدي. القاهرة: الدار الثقافیة للنشر.
- جرفی، محمد و عباد محمدیان. (۱۳۹۳). «بررسی سوره عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»؛ پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۹-۲۶.
- الجزر، هنی محمد. (۲۰۱۴). «القضية الحملیة الأرسطیة وموقف المنطق الرمزی منها: فریجه نموذجاً»؛ العلوم الإنسانیة، السنة ۳۰، العدد ۴، صص ۴۲۱-۴۶۱.
- حامدی شیروان، زهرا و سید مهدی زرقانی. (۱۳۹۳). «بررسی داستان رستم و شغاد براساس مربع ایدئولوژیکی ون/دایک»؛ کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۵، شماره ۲۸، صص ۹۹-۱۲۹.
- خیراندیش، رسول و سیاوش شایان. (۱۳۷۰). ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها؛ تهران: کویر.
- راستگو، کبری و فرشته فرضی شوب. (۱۳۹۶). «بررسی هم‌معنایی در گفتمان قرآنی برپایه نظریه تحلیل مؤلفه‌ای»؛ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۷، شماره ۱۶، صص ۱۱-۳۴.
- رسن، نزار عبدالغفار و علاءالدین أحمد عباس. (۲۰۱۶). «مقاربه سیمائیة لتحلیل الخبر الصحفی»؛ الباحث الاعلامی، السنة ۱۱، العدد ۳۳، صص ۲۲۱-۲۳۶.
- رشیدی، ناصر و اصمغان سعیدی. (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی براساس چارچوب تحلیلی ون/دایک و ون لیوون»؛ پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۸، شماره ۳۲، صص ۱۰۰-۱۲۶.
- روبنز، روبرت هنری. (۱۹۹۷). موجز تاریخ علم اللغة فی الغرب؛ ترجمه أحمد عوض، الکویت: عالم المعرفة.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»؛ مجله علوم سیاسی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۵۳-۱۸۰.

- فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) سال دهم، دوره جدید، شماره سی و ششم، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۲۲-۱۰۱/۱۱۹
- السيوطي، جلال الدين. (۲۰۱۱). شرح عقود الجمان في علم المعاني والبيان؛ تحقيق ابراهيم الحمداني و لقمان الحبار، بيروت: دارالكتب العلمية.
- شرشار، عبدالقادر. (۲۰۰۶). تحليل الخطاب الأدبي وقضايا النص؛ وهران: دارالأديب.
- الطويل، رزق. (۱۹۸۶). أساليب الاستغراق والشمول: دراسة في الإعراب والشمول؛ مكة المكرمة: المكتبة الفصليّة.
- عباينة، يحيى. (۲۰۱۳). «الأسس الفلسفية لتحليل الخطاب»؛ سلسلة العلوم الانسانية و الاجتماعية، السنة ۳۱، العدد ۳، صص ۱۷۲-۲۰۰.
- عرب يوسف آبادي، عبدالباسط و ديگران. (۱۳۹۷). «بررسی ادب مندی استراتژی های بیان در داستان های کودکانه شادی فقیه»؛ لسان مبین، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۷۹-۱۰۱.
- _____ (۱۳۹۵). «تحليل گفتمان انتقادی نامه محمد بن عبدالله و منصور عباسی بر اساس الگوی لاکلا و موف»؛ لسان مبین، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۷۳-۱۰۱.
- العلوی، يحيى بن حمزة. (۱۹۸۲). الطراز المتضمن لأسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز؛ ط ۲، بيروت: دارالكتب العلمية.
- عموري، سعيد. (۲۰۱۳). «الإيدولوجيا، الخطاب، النص: نحو مقاربة مفاهيمية»؛ الأثر، السنة ۱۲، العدد ۱۸، صص ۱۳۷-۱۵۱.
- العموش، خلود. (۱۳۸۸). گفتمان قرآن: بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن؛ ترجمه حسين سيدی، تهران: سخن.
- فضيلة، يونسى. (۲۰۱۲). «استراتيجيات الخطاب فى النشيد الوطنى: دراسة تداولية»؛ جامعة مولود معمري: رسالة الماجستير.
- فالک، جوليا اس. (۱۳۷۲). زبان شناسی و زبان؛ ترجمه خسرو غلامعلي زاده، چ ۲، مشهد: آستان قدس.
- فوداک، روث و ميشيل ماير. (۲۰۱۴). مناهج تحليل النقدي للخطاب؛ ترجمه حسام أحمد فرج و عزة شبل محمد، القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- كادة، ليلي. (۲۰۱۴). «الاستنزام الحوارى فى الدرس اللسانى الحديث: طه عبدالرحمن أنموذجاً»؛ الممارسات اللغوية، العدد ۲۱، صص ۱۶۹-۱۹۴.
- كسايبى، عليرضا و جلال رحيميان. (۱۳۹۱). «بررسی کتاب اندیشه اسلامی ۱ از دید تحلیل گفتمان انتقادی»؛ اندیشه دینی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۳.

- لقمان‌نیا، مهدی و دیگران. (۱۳۹۰). «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس نظریه‌های داده بنیاد»؛ نوآوری‌های آموزشی، دوره ۱۰، شماره ۰، صص ۳۲-۵۶.
- مزوز، دلیله. (۲۰۰۹). «المبنى للمجهول بين اختزال البنية و استرسال المعنى»؛ مجلة كلية الآداب و العلوم الإنسانية و الاجتماعية، السنة ۳، العدد ۵، صص ۱۶۳-۱۸۹.
- مفتاح، محمد. (۱۹۹۰). دینامیة النص: تنظیر و إنجاز. ط ۲. بیروت: الدار البيضاء.
- _____ (۱۹۹۲). تحلیل الخطاب الشعری: إستراتيجية التناص؛ ط ۳، بیروت: الدار البيضاء.
- مکدونیل، دیان. (۲۰۰۱). مقدمة فی نظریات الخطاب؛ ترجمه عزالدین اسماعیل، القاهرة: المكتبة الأكاديمية.
- مهرپرور، سعید و دیگران. (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان‌شناسی گزیده‌ای از سروده‌های ملی کشورهای جهان»؛ توسعه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۷۵-۹۶.
- مویک، سی. (۱۹۹۳). المفارقة و صفاتها؛ ترجمه عبدالواحد لؤلؤة، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- میرفخرایی، تژا. (۱۳۸۳). فرایند تحلیل گفتمان؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۱). «تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی»؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۱۹.
- یقطین، سعید. (۱۹۸۹). انفتاح النص الروائی، ط ۲، بیروت: الدار البيضاء.
- یوسف، عبدالکریم محمود. (۲۰۰۰). أسلوب الإستفهام فی القرآن الکریم؛ دمشق: مطبعة الشام.

منابع لاتین

- Bayyurt, Y. and A. Bayraktaroğlu. (2001). «*The use of pronouns and terms of address in Turkish in service encounters*»; **Pragmatics and Beyond new series**, Pp 209.
- Caldas-Coulthard, C. R. & M. Coulthard. (2003). **Text and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis**; London: Routledge.
- Fairclough, Norman (2002). "*Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse*"; in Toolan, M(ed.) *Critical Discourse Analysis*, London: Routledge, vol.2.
- Lyons, J. (1995). **Introduction to Theoretical Linguistics**: Vol I. London: Cambridge University Press.
- Schiffrin, Dborah, Tannen, Dborah., & Hamilton, Heidi. E. (2001). **The handbook of discourse analysis**; Blackwell Publisher.
- Smith, Whitney. (1984). «**Flags Of The World (FOTW)**». under the supervision: Encyclopædia Americana; United States: Encyclopædia Americana.
- Van Dijk, T. A. (2002). **Principles of Critical Discourse Analysis: in Critical Discourse Analysis**; (ed.) M. Toolan, London: Routledge.
- (۲۰۰۰). **Ideology and Discourse: a Multidisciplinary Introduction**; Barcelona: PamperFabra University press,

- (2006). «*Ideology and Discourse Analysis*»; **Journal of Political Ideologies**: 11(2), pp 115-140.
- (1988). **News as discourse**. Hillside, NJ: Erlbaum.
- (1993). **discourse, power and Access**: In: CR. Caldas (ed) studies in critical discourse analysis. London: Routledg.
- (1998). «*Opinions and Ideologies in the Press*»; in Approaches to Media Discourse. (ed.) by Bell, A. and Peter Garrett, Oxford: Blackwell, pp21-63.
- Walker, V. (2011). «*Codeswitching as a power and solidarity strategy in the foreign language classroom: an analysis of language alternation strategies utilized in a Portuguese-English higher education class*»; **Innervate**. Vol 3. PP. 362.363.

دراسة مستويات الخطاب في المربع الأيديولوجي للأناشيد الوطنية لبلاد الشام وفقاً لمنهج فان داك*

عبدالباسط عرب يوسف آبادي، أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل.

الملخص

توفّر دراسة المستويات المختلفة للخطاب فهماً جديداً له وتكشف عن جوانب اختلاط اللغة بالأيديولوجيا. ومهما تعدّد توفّر الخطابات المؤثرة على هيمنة الهوية الوطنية وبروزها، فإن الأناشيد الوطنية تلعب دوراً هاماً لترسيخ الهوية الوطنية وهيمنتها. يعرف توين فان داك الأيديولوجيا بأنه ظاهرة اجتماعية متعدّدة أبعاد يمكن تحليلها عبر مربع خطابي يناسب لتحليل الهوية في نصّ الأناشيد الوطنيّة. وهذه الدراسة وفقاً للمنهج الوصفي - التحليلي تسعى للكشف عن المستويات الخطابية التي تؤثر على ترسيخ الهوية الوطنية في اللغة وذلك من خلال هيمنة الأناشيد الوطنية لبلاد الشام (لبنان، الأردن، وسوريا، وفلسطين، والعراق). فتدلّ النتائج على أن غالبية خطاب هذه الأناشيد (٧٨%) تشمل على تهويل محاسن هوية «نحن» وتهوين معايها، وإن مستوى المعنى وبنية الجمل من أهم مستويات خطاب هذه الأناشيد. كما تدلّ هذه النتائج على الكفاءة اللغوية لخالقي هذه الأناشيد وتدوّقهم البلاغية عند هيمنة هوية «نحن» وترسيخها.

كلمات مفتاحية: تحليل الخطاب بالنقد، فان داك، الأناشيد الوطنية، التهويل، التهوين. الهوية الوطنية.